

رسول پویان

گل های کاغذی

در غرب استرس و کلنجار ماشین است
دوستی و مهر و عاطفه بردار ماشین است
پنداشتم که عشق بود چاره ساز درد
اما به چشم عهد و وفا خار ماشین است
عشق و وصال بازی طبع و مجاز شد
در آستین جلوه گران مار ماشین است
خاموش گشته نغمه پر سوز و ساز عشق
خرخر کنان معرکه گیتار ماشین است
گل های کاغذی که بود باب فیس بوک
پر زرق و برق پرزه و ابزار ماشین است
فکر سلیم در تب سرمایه می تپد
آری طیب و تجربه بیمار ماشین است
اندیشه بشر نبود مستقل دیگر
اینجا حکیم و فلسفه افکار ماشین است
تبلیغ مد و فیشن هر لحظه کار روز
در تیمچه و مغازه و بازار ماشین است
طرح حساب سود و زیان بهر عده ای
آیین و رسم و کلچر و افکار ماشین است
سرمایه دار با دغل و حيله و فریب
دزد نقاب بر رخ هشیار ماشین است
آزادگی و همت و صدق و صفا همه
در بند مکر و حيله گرفتار ماشین است

تریاک و شیشه چرس و نکوتین مافیا
پوند و ریال و دالر و دینار ماشین است
قتل و ترور طالب و داعش به قرن ما
محصول فتنه های زیانبار ماشین است
از سرزمین خشک عرب عاشقی مجو
رویشگر خشونت و اشرار ماشین است
عشق و صفا و عاطفه را گور کرده اند
یک تکه دل فقط به منقار ماشین است
خشت نخست کج زده معمار کهنه کار
افسار دین در ید خونبار ماشین است
جنگ و جدال بهر فروش سلاح بود
یا از برای نفت به انبار ماشین است
عقل و هنر و دین و خدا را فروختند
وجدان خفته حس عزادار ماشین است
در قرن بیست و یک اگر خوب بنگری
هرکس بگونه ای هوادار ماشین است
دیگر مجو ز سینه ماشین شور عشق
اینجا ربات زنده سزاوار ماشین است
در سوگ عشق ناله و فریاد سر کنید
دل های پاک خسته زگفتار ماشین است

2014/8/24